**کهن ترین ترجمه ترانه ای از خیام**

**نویسنده : ابن الرسول، سید محمد رضا**

قاضی نظام‏الدّین اصفهانی،(1) شاعر ذولسانین قرن هفتم هجری (زنده در فاصله سالهای 631 تا 678 هجری قمری)، ظاهرا نخستین عربی‏سرایی است که یک مجموعه کامل رباعیّات ـ بالغ بر پانصد رباعی در همه قوافی (از قافیه همزه تا یاء) ـ به زبان عربی ساخته و پرداخته است.(2)

در این مجموعه، یک رباعی با قافیه «باء» دیده می‏شود که سراینده آن را در ترجمه یکی از رباعیّات خیّام آورده(3) و سپس با چهار رباعی دیگر در همان قافیه، بدان پاسخ گفته است.(4) برگردانِ عربیِ شاعر از رباعی خیّام چنین است:

|  |  |
| --- | --- |
| اَلصّانِعُ إذْ أحْسَنَ فِی التَّرْکیبِ | لِم یُخْرِجُ نَظْمَهُ عَنِ التَّرتیبِ؟ |
| إِنْ ساءَ، فَمَنْ أَحَقُّ بالتَّثْریبِ | أوْ أحْسَنَ، مَا الْحِکْمَةُ فِی الْتَّخْریبِ؟ |

چنانکه روشن است، رباعی فوق ترجمه رباعی زیر است:

|  |  |
| --- | --- |
| دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست | باز از چه سبب فکندش اندر کم و کاست |
| گر خوب نیامد این بنا عیب کراست | ور خوب آمد خرابی از بهر چراست(5) |

بحث و بررسی درباره ارزیابیِ ترجمه عربی قاضی نظام‏الدّین ـ با توجّه به مهارت شاعر در ارائه این صنعت بدیعی(6) و نیز التزام وی به همسانی با رباعی فارسی در وزن و تصریع(7)ـ و مقایسه آن با ترجمه‏های دیگر(8) را به مقال و مجالی دیگر وامی‏نهیم. نیز از میان چهار رباعیِ پس از آن، که هر یک پاسخی جداگانه به شبهه خیّام است، تنها به پاسخ نخست، آن هم بدان روی که حاوی نکته‏هایی ویژه است، بسنده می‏کنیم:

|  |  |
| --- | --- |
| ما لِلْخَیّامِ لَجَّ فِی التَّأْنیبِ | لِلْخَیْمَةِ قَوَّضوا لَدَی التَّطْنیبِ |
| لابُدَّ لِذِی الْخیامِ أنْ یَقْلَعَها | مَهْما حَفَرَ الْجُیوشُ لِلتَّشْریبِ |

«از چه رو خیّام بر نکوهش خود پای می‏فشارد که چرا هنوز اندکی از طناب‏کشی (و برپایی) خیمه نگذشته، آن را فرو می‏نشانند (و جمع می‏کنند). به هر حال صاحب این خیمه‏ها (و فرمانده اردوگاه) ـ هر اندازه هم که سپاهیان او زمین را برای آبگیری حفر

حاشیه:

1) از پیشینیان، آوی (حسین بن محمّد بن ابی‏الرضا)، ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال، تهران، مطبوعات مجله یادگار، 1328، ص 59 و 120؛ ابن‏الفوطی (کمال‏الدین عبدالرزاق)، تلخیص مجمع الآداب، تحقیق محمّد الکاظم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1374، ج 2، ص 285؛ تاج‏الدّین احمد وزیر، بیاض، زیر نظر ایرج افشار و مرتضی تیموری، اصفهان، دانشگاه اصفهان، 1353، ص 471؛ جاجرمی (محمّد بن بدر)، مونس‏الاحرار فی دقایق الاشعار، به اهتمام میرصالح طبیبی، ج 2، تهران، انجمن آثار ملی، 1350، ص 1148؛ خواندمیر (غیاث‏الدین بن همام‏الدین الحسینی)، تاریخ حبیب‏السیر، با مقدمه جلال‏الدّین همایی، زیر نظر محمّد دبیر سیاقی، 4 ج، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی خیّام، 1362، ج 3، ص 117؛ شوشتری (قاضی نوراللّه‏)، مجالس المؤمنین، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، 1365، ج 1، ص 543، و ج 2، ص 482؛ شیخ‏بهائی (محمّد بن حسین)، الکشکول، با تعلیق سیّدمهدی لاجوردی، 3 ج، قم، الهیئة المتحدة الکبری، 1377 ه ق. ج 1، ص 240؛ مستوفی (حمداللّه‏)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر 1362، ص 754؛ و نراقی (احمد)، الخزائن، تحقیق حسن حسن‏زاده آملی و علی‏اکر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیه، 1380 ه ق. ص 144، هرکدام به نحوی به شرح حال و یا آثار و اشعار قاضی نظام‏الدّین اصفهانی اشاره کرده‏اند.

2) رباعیّات نظام‏الدّین الاصفهانی، نخبة‏الشارب وعجالة الراکب، به تحقیق کمال ابودیب. بیروت، دارالعلم للملایین، 1983 م.

3) دکتر کامل مصطفی الشیبی ظاهرا نخستین پژوهشگری است که در طیّ تورّق نسخه خطی رباعیّات قاضی نظام‏الدّین اصفهانی، متوجّه این موضوع شده و آن را در کتاب خود، دیوان‏الدوبیت فی‏الشعر العربی فی عشرة قرون آورده است. پس از او دکتر سیروس شمیسا (سیر رباعی در شعر فارسی، با ضمیمه‏ای درباب فهلوی، چاپ دوم، تهران، فردوس، 1374، ص 42)، و دکتر یوسف حسین بکّار ( الاوهام فی کتابات العرب عن الخیام، بیروت، دارالمناهل، 1408 ه .ق/ 1988 م.، ص 83) به نقل از وی بدان اشاره کرده‏اند.

4) رباعیّات نظام‏الدّین الاصفهانی ... ، ص 80 و 81.

5) درباره روایتهای دیگر رباعی خیّام، در ادامه مقال سخن خواهیم گفت.

6) صنعت لفظی ترجمه آن است که شاعر، معنی بیتی را به زبان دیگر به نظم درآورد (دادفر، ابوالقاسم، فرهنگ بلاغی ـ ادبی، 2 ج، تهران، اطلاعات، 1368، ج 1، ص 327، ذیل «ترجمه»).

7) تصریع آن است که شاعر در اثناء نظم، در مصراع نخستین ابیاتش نیز قافیه را رعایت کند (همان، ج 1، ص 364، ذیل «تصریع»). در رباعی، تصریع به معنی هم‏قافیه‏بودن مصراع سوم با سه مصراع دیگر است و چنین رباعی را مصرَّع گویند.

8) از این رباعی خیّام تاکنون چندین ترجمه منظوم و منثور عربی عرضه شده است (مثلاً نگاه کنید به: ابراهیم العریض، اللمسات الفنیة عند مترجمی الخیّام، المنامة، مکتبة فخراوی، 1417 ه ق/ 1996 م.، ص 118).

کرده باشند ـ ناگزیر است [دیر یا زود عزمِ منزل دیگر کرده[ سراپرده‏هایی را که بر پای نموده، از جای برکَنَد».

از بررسی این دو رباعی، نکته‏های زیر را درمی‏یابیم:

1) باتوجّه به فاصله اندک میان زمان حیات دو شاعر (حدود یک قرن)، این ترجمه یکی از کهن‏ترین و اطمینان‏آورترین اسناد(9) در انتساب اصل رباعی به خیّام است، به‏ویژه که شاعر در رباعیِ جواب، به نام خیّام(10) هم تصریح کرده است.

2) بی‏تردید، نخستین ترجمه عربی منظوم از رباعیّات خیّام را باید به قاضی نظام‏الدّین اصفهانی نسبت داد،(11) مگر آنکه محقّقان در پژوهشهای آینده به ترجمه کهن‏تری دست یابند.

3) رباعی «دارنده چو ...» به روایتهای گوناگون نقل شده است.(12) اکنون با توجّه به این ترجمه، ضبط اصحّ یا دست کم یکی از ضبطهای اقدمِ رباعی خیّام هم نمودار می‏گردد.(13)

4) تصریح به نام خیّام، و آن هم به شکل رایج آن یعنی «خیّام» و نه «خیّامی» یا به صورتی دیگر، در رباعیِ جواب قاضی نظام‏الدّین، مدّعای برخی محققان معاصر را مبنی بر اینکه هیچ‏یک از قدمای معاصر یا نزدیک به عصر خیّام وی را خیّام نخوانده‏اند،(14) مورد تردید قرار می‏دهد.(15)

5) ترجمه مستقیم قاضی نظام‏الدّین از رباعی خیّام و درج آن در مجموعه رباعیاتی که به عطا ملک جوینی (صاحب تاریخ جهانگشای) در بغداد اهدا شده است،(16) ثابت می‏کند که برخلاف تصوّر برخی از نویسندگان معاصر عرب،(17) آشنایی جهان عرب با رباعیّات خیّام، اولین‏بار از طریق ترجمه‏های اروپایی آن صورت نگرفته بلکه چند قرن پیش از آشنایی غربیان حاصل شده است.

حاشیه:

9) با توجّه به تحقیقات دانشوران فقید محمّدعلی فروغی (رباعیات خیّام، ویرایش جدید همراه با ترجمه انگلیسی فیتزجرالد، با تصحیح، مقدمه و حواشی محمّدعلی فروغی و قاسم غنی؛ به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، تهران، ناهید، 1373، ص 81ـ70)، و جلال‏الدین همایی (یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی، طربخانه، رباعیّات حکیم عمر خیّام نیشابوری، تصحیح و مقدمه و تعلیقات و اضافات استاد جلال‏الدّین همایی، تهران، انجمن آثار ملی، 1342، ص 35ـ32)، در میان مآخذ قدیم رباعی خیّام، تنها رساله مخطوط التنبیه علی بعض الاسرار المودعة فی بعض سورالقرآن العظیم، تألیف امام فخر رازی (مجتبی مینوی، «از خزاین ترکیه»، مجله دانشکده ادبیّات دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره 2، دی‏ماه 1335، ص 42 تا 75)، و کتاب مرصادالعباد، تألیف نجم رازی، پیش از رباعیات قاضی نظام‏الدین اصفهانی نگاشته شده است. بدین‏سان ترجمه عربی خیّام، از نظر تاریخی سومین مستند آن رباعی (دارنده چو ...) است (خیّامی، عمر بن ابراهیم، دانشنامه خیّامی، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران، علم و هنر و صدای معاصر، 1377، ص 453، 455 و 470).

10) لفظ خیّام (خیمه‏دوز) در رباعیِ جواب ایهام دارد. ایهام (یا تخییل یا توریه) آن است که گوینده الفاظی بیاورد که دارای دو معنای قریب و بعید باشد و معنای بعید آن را اراده کند (رادفر، ابوالقاسم، فرهنگ بلاغی ـ ادبی، ج 1، ص 212، 319 و 425، به ترتیب ذیل «ایهام»، «تخییل»، و «توریه». ضمنا در رباعی مورد بحث، توریه از نوع مرشّحه است که لوازم معنای قریب (غیر مراد) ـ مانند خیمه و خیام ـ در آن مذکور است.

11) دکتر بکار (الاوهام فی کتابات العرب عن الخیّام، ص 34ـ25) گزارشی مفصل درباره نخستین مترجم عربی رباعیّات خیّام دارد که در آن نظرات گوناگون پژوهشگران عرب را یاد کرده است. گفتنی است هیچ‏یک از این پژوهشگران به ترجمه قاضی نظام‏الدّین اصفهانی اشاره نکرده، همگی به ترجمه‏های قرن بیستم میلادی نظر داشته‏اند، هرچند دکتر بکار خود بدین موضوع توجه کرده است (همو، الترجمات العربیة لرباعیات الخیام، دراسة نقدیة، الدوحة، منشورات مرکز الوثائق والدراسات الانسانیة جامعة قطر، 1408 ه .ق/ 1988 م.، ص 34).

12) روایتهای دیگر رباعی چنین است: مصراع اول: دارنده چو ترکیب طبایع (عناصر) آراست؛ مصراع دوم: از بهر چه او فکندش اندر کم و کاست؛ مصراع سوم: گر نیک آمد شکستن از بهر چه بود؛ مصراع چهارم: ورنیک نیامد این صور عیب کراست.

13) ترجمه رباعی خیّام ـ به‏ویژه در ترتیب مصراع سوم و چهارم ـ با روایت امام فخر رازی در رساله التنبیه علی بعض الاسرار ... و نقل نجم رازی در مرصادالعباد ـ که پیشتر در پانوشت به هر دو اثر اشاره شد ـ مطابقت دارد. روایت امام فخر رازی را به دلیل مطابقت کامل آن با ترجمه عربی، در متن آورده‏ایم و روایت مرصادالعباد هم چنین است: دارنده چو (چه) ترکیب طبایع آراست/ باز از چه قِبَل (سبب) فکندش اندر کم و کاستگر زشت آمد پس (گر خوب نیآمد) این صور عیب کراست (که راست، کی راست)/ ورخوب (نیک) آمد خرابی (شکستن) از بهر چراست (چه خواست). (نجم رازی، عبداللّه‏ بن محمّد، مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد، به اهتمام محمّد امین ریاحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1352، ص 31، و همان، با حواشی و تعلیقات حسین الحسینی النعمة اللهی، تهران، مجلس، 1312، ص 18).

14) به مقدمه محمّدعلی فروغی مراجعه شود (رباعیّات خیّام ...، ص 69)؛ نیز درباره صورتهای گوناگون نام «خیام» در آثار گذشتگان، گزارش تفصیلی آقای رحیم رضازاده ملک (دانشنامه خیّامی، ص 33ـ31) در خور ذکر است.

15) انکار نمی‏کنیم که گاه شاعر در تنگنای وزن و قافیه، به ناچار بخشی از یک ترکیب و یا حتی حرفی از یک واژه را حذف می‏کند، چنان‏که در ترخیم منادا رائج است؛ در اینجا احتمال کوتاه‏کردن نامهایی مثل «ابن‏الخیّام» یا «الخیّامی» و تبدیل آن به «الخیّام» منتفی نیست.

16) قاضی نظام‏الدّین اصفهانی خود در مقدمه رباعیاتش بدین موضوع تصریح دارد (رباعیّات نظام‏الدّین الاصفهانی، ص 16، 23 و 65).

17) برای نمونه، امیل ناصیف تصریح می‏کند که غربیان در اواسط قرن هجده میلادی به رباعیّات خیّام اهتمام ورزیدند و در این جهت بر عرب پیشی گرفته‏اند (اروع ما قیل من الرباعیّات، بیروت، داراجیل، 1413 ه . ق/ 1993 م.، ص 26)؛ البته اگر مراد از عرب، مردمان عربی‏زبان معاصر باشد، اشکالی متوجه این گفتار نیست. افزون بر این، چنانکه گفته‏اند سدیدالدین الانباری (متوفای 558 ه. ق) در معارضه با رباعیّات خیّام، رباعیاتی به زبان عربی پرداخته است که این خود بیانگر آشنائی او ـ به عنوان یک ادیب عرب سده ششم ـ با رباعیّات خیّام است (الرافعی، مصطفی صادق، تاریخ آداب العرب، 3 ج، بیروت، دارالکتاب العربی، 1394 ه .ق/ 1974 م.، ج 3، ص 167).

6) چنانکه استاد فقید جلال‏الدین همایی فرموده، رباعی مورد بحث خیّام «از قدیم مورد توجه و استقبال شعرا خاصّه ارباب حکمت و عرفان بوده، در حل و نقض آن جوابهای متعدد ساخته‏اند».(18) یکی از پاسخهای مشهور که مضمون آن با جوابیه قاضی نظام‏الدّین اصفهانی بسیار قرابت دارد، چنین است:

|  |  |
| --- | --- |
| خیّام! تنت به‏خیمه‏یی ماند راست | جان سلطانست و منزلش دار بقاست |
| فرّاش ازل ز بهر دیگر منزل | این خیمه بیفکند چو سلطان برخاست(19) |

اکنون باتوجّه به اینکه سراینده این پاسخ منظوم فارسی مشخص نیست،(20) می‏توان مدعی شد که به ظنّ غالب، یکی از این دو، از دیگری متأثر شده و آن را تضمین کرده است. حتی با عنایت به اینکه قاضی نظام‏الدّین، رباعیّات ملمّع و فارسی هم داشته،(21) احتمال آنکه هر دو رباعی را خود سروده باشد نیز منتفی نیست.

7) با کشف این ترجمه عربی، ارزیابی برخی محققان معاصر(22) از ترجمه یکی از مترجمان عربی‏زبانِ رباعیّات خیّام مبنی بر اینکه ترجمه وی از همه ترجمه‏های منظوم خیّام بدون استثناء به متن نزدیک‏تر است، مورد خدشه قرار می‏گیرد و باید ترجمه‏های عربی رباعیّات خیّام از نو ارزیابی گردد.

حاشیه:

18) طربخانه؛ ص 55.

19) همان؛ ص 156، و نیز ص 55 و 141؛ مرصادالعباد، ص 31.

20) در طربخانه، این جوابیه ضمن حکایتی به ابوسعید ابوالخیر نسبت داده شده است؛ مرحوم استاد همایی در پانوشت آورده‏اند: «هم‏عصربودن خیّام با شیخ‏ابوسعید ابوالخیر، متوفی 440، صحیح نیست و باقی حکایت هم سند معتبری ندارد» (طربخانه، ص 155)؛ نیز برخی به دلیل وجود نام خیّام در این رباعی، آن را سروده او دانسته‏اند، مرحوم فروغی ضمن خدشه در این انتساب، آن را احتمالاً از آنِ مولانا جلال‏الدین می‏داند (همان، ص 55؛ و نیز رباعیّات خیّام ...، ص 67)؛ مرحوم مینوی («از خزاین ترکیه»، ص 72) هم قاطعانه انتساب این رباعی را به خیّام مردود شمرده و ضبط آن را در بین رباعیهای خیّام خطا دانسته است.

21) رباعیات نظام‏الدین الاصفهانی، ص 21 و 27.

22) این نظر از آنِ علاّمه قزوینی است که در ارزیابی ترجمه عربی احمد الصافی النجفی، در نامه‏ای که به وی نوشته، ابراز داشته است: «شاید بتوان گفت این ترجمه نزدیکترین جمیع تراجم شعری خیّام است بلااستثنا باصل فارسی آن» (خیّام، عمر بن ابراهیم، رباعیات عمر الخیّام، تعریب السیّد احمد الصافی النجفی؛ چاپ افست، قم، منشورات الارومیة، 1405 ه ق.، ص 13). مرحوم ملک‏الشعرای بهار نیز در این باره آورده است که برخی از این ترجمه‏ها نه تنها مطابق با متن اصلی است که از حیث بلاغت و اسلوب بر آن تفوّق هم دارد (بکّار، یوسف حسین، نحن و تراث فارس، دمشق، المستشاریة الثقافیة للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة، 1420 ه .ق/ 2000 م.، ص 49 و 50).

**از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی**

**مقاله‏ها**

فهلویات شیخ صفی‏الدین اردبیلی/ علی اشرف صادقی

میان‏افزودها: بدل یا معترضه؟/ مجید باغینی‏پور

کاربردشناسی جمله‏های پرسشی در زبان فارسی/ والی رضائی

مجله زبانشناسیبررسی عوامل درون‏زبانی مهجورشدگی واژه‏ها در مطبوعات/ بشیر جم

سال هجدهم، شماره دومبرخی ویژگیهای واجی، ساخت‏واژه‏ای، و نحوی گویش اورامی (گونه شهرپاوه)/

پاییز و زمستان 1382شهرام نقش‏بندی

مسائل ترجمه ماشینی (انگلیسی ـ فارسی)/ طیبه موسوی میانگاه

دیدگاههای آواشناختی نصیرالدّین طوسی از خلال کتاب معیارالاشعار/ رضا زمرّدیان

کتابشناسی جدید زبان و زبان‏شناسی فارسی تا سال 2001/ محمّد راسخ مهند

نقدی بر نقد چاپ دوم کتاب نوای گفتار/ تقی وحیدیان کامیار

گزارش برگزاری هفدهمین کنگره بین‏المللی زبان‏شناسان/ محمّد دبیر مقدم